

تحلیلی بر پیامدهای امنیتی نابرابری فرصت‌های اقوام در ج.ا.ایران

حجت‌اله جهانی‌راد^۱، محسن خرمی‌آلام^۲، صمد شماخی^۳، محمد علمی^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

چکیده

قومیت و قوم‌گرایی که از تفاوت‌های نژادی ناشی می‌شود همواره در تحقیقات اجتماعی و سیاسی مؤلفه مهمی بوده که تأثیری محسوس بر امنیت ملی، توسعه و یا رشد جوامع داشته است؛ لذا این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار گردآوری میدانی و کتابخانه‌ای، درصدد است ضمن تبیین درجه اهمیت و اولویت‌بندی هریک از معیارها و شاخص‌های نابرابری فرصت‌های فراروی اقوام، علل و چگونگی آن را به صورت متقن پاسخ دهد؛ این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی می‌باشد که آیا در میان اقوام مختلف جمهوری اسلامی ایران فرصت‌های نابرابر به وجود آمده است؛ اگر چنین است پیامد امنیتی آن چیست؟ و راه‌کارهای حذف و یا کاهش این فرصت‌های نابرابر کدامند؟ در نهایت دستاوردها و نتایج اصیل این مقاله رسیدن به عواملی پنج‌گانه از قبیل؛ «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثیرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا. با توجه به اسناد بالادستی» بود که این عوامل بر متغیر بررسی فرصت‌های نابرابر در میان اقوام کشور جمهوری اسلامی ایران در حد خیلی زیاد مؤثر واقع گردیدند؛ لذا نتیجه فوق‌بر نتیجه حاصله از پرسشنامه منطبق و بر روایی و اعتبار این پژوهش افزود.

واژگان کلیدی: قومیت، فرصت، تهدید، امنیت، امنیت ملی.

۱ - عضو هیئت علمی دانشکده فارابی (نویسنده مسئول) hojat.1980@gmail.com

۲ - کارشناس ارشد بیوتورریسم و مدرس دانشکده فارابی

۳ - دانشجوی دکترای امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

۴ - دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

مقدمه

جامعه ایران جامعه‌ای چند قومی است که در آن گروه‌های مختلف قومی، با زبان، دین و آداب و رسوم متفاوت، قرن‌هاست که زندگی مسالمت‌آمیزی با همدیگر دارند. تنوع نژادی و فرهنگی کشور ایران نیز پدیده‌ای تاریخی و حاصل جنگ‌ها، رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و مهاجرت بوده است (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

به‌طور کلی، کشور ایران جامعه‌ای چند قومیتی است که در حال حاضر حدود پنجاه درصد از شهروندان آن را اقوام غیر فارس تشکیل می‌دهد؛ لذا مسئله قومی در ایران جزء یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر به‌شمار می‌رود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که شکاف قومی در میان پنج قوم ایرانی (ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن) در برهه‌های زمانی خاصی دارای فراز و نشیب بوده است. با توجه به این‌که اقوام ایران در سیر تاریخی در برخی مواقع در وضعیت نابرابری از نظر فرصت‌ها و موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته‌اند؛ در واقع این نابرابری فرصت‌ها، بر اساس نظریه‌های مختلف منشأ تضاد نیز بوده‌اند.

البته مباحث قومی در ایران تاریخی صدساله و شاید بیشتر داشته و بررسی این مسئله نیازمند پیاده‌سازی روشی علمی و دقیق است؛ چراکه جامعه ایران، جامعه‌ای چند قومیتی است که در آن گروه‌های مختلف قومی با زبان، دین، آداب و رسوم متفاوت، مدت مدیدی است که زندگی مسالمت‌آمیزی با یکدیگر دارند؛ با این حال این مسئله نیز نبایستی از دیدگاه ما پنهان بماند که تنوع و گوناگونی قومی کنونی، حاصل تنازع و رقابت‌های تاریخی ساکنان این عرصه جغرافیایی در گذر تاریخ است؛ از این منظر بررسی فرصت‌های نابرابر (ناخواسته یا عمدی) در میان اقوام کشور جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن، به‌عنوان یکی از موانع صلح و ثبات مطرح گردیده است. اهمیت موضوع موصوف این پرسش که آیا جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیامدهای امنیتی و آینده‌پژوهانه، اقدام به سیاست‌گذاری مبسوطی در زمینه بررسی علل و تبعات نابرابری فرصت‌ها در میان اقوام مختلف کشور کرده است؟ آیا مسیری برای تغییر از رویکردهای تهدید به فرصت‌محور برای کاهش شکاف‌های قومی در ایران اقوام ایرانی در آینده متصور خواهد بود؟

لذا مستند به پرسش‌های عنوان‌شده، این مقاله تلاش دارد ضمن بررسی مسئله تنوع قومی در ایران به بررسی فرصت‌های نابرابر اقوام پرداخته و سیاست‌هایی کارآمد و قابل‌اجرا را برای خلق فرصت‌هایی درازمدت برای اقوام ایرانی جهت به حداقل رساندن بحران‌ها، چالش‌ها و یا حتی بسترهای بروز بحران، مهیا سازد تا با واکاوی علمی، پاسخ این چرایی آشکار گردد که آیا تنوع قومی در ایران برای امنیت ملی مؤلفه‌ای تهدیدزاست یا بالعکس فرصت‌ساز بوده و با ایجاد فرصت‌هایی برابر برای اقوام گوناگون، امنیت پایدار را برای کشور ایران به ارمغان خواهد آورد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

قومیت و قوم‌گرایی همواره مؤلفه مهمی در بررسی‌ها و تحقیقات اجتماعی و سیاسی محسوب می‌گردد که توجه ویژه به این مقوله، از تمایزهای قومی موجود در کشور ناشی می‌شود. نابرابری قومی و تنوع قومی فی‌نفسه یک تهدید محسوب نمی‌شود و گاهی اوقات در صورتی که در یک جامعه عادی تلقی گردد و خود مبنای تشکیل دهنده آن جامعه شمرده شود، می‌تواند فرصت شکوفایی اجتماعی را نیز فراهم می‌نماید؛ از طرفی امروزه با توجه به بروز بحران‌های قومی-نژادی متنوع در نقاط مختلف جهان، امنیت ملی و مشارکت سیاسی نیز در جامعه ایران و رابطه آن با قومیت‌ها بسیار مهم تلقی می‌گردد؛ هرچه احساس «خودی بودن» در قومیت‌ها بیشتر باشد مشارکت سیاسی آنان بیشتر و ضریب امنیت ملی بالاتر خواهد بود و عکس آن نیز می‌تواند صادق باشد. فرایند جهانی شدن و گسترش ارتباطات نیز این وضعیت را دگرگون و پیچیده ساخته است و این مقوله بر احساسات قوم‌گرایانه و امنیت ملی جوامع تأثیر به‌سزایی گذاشته است؛ لذا یکی از موارد مهم و ضروری این پژوهش این است که چنانچه پدیده‌ای تحت عنوان فرصت‌های نابرابر در میان اقوام کشور جمهوری اسلامی ایران، مغفول مانده است؛ این مهم بایستی توسط پژوهشگر مورد بررسی موشکافانه و دقیق قرار گرفته و به دنبال این بررسی، پیامدهای امنیتی آن در جمهوری اسلامی ایران نیز مورد واکاوی قرار گیرد تا با دستیابی به رهیافت‌های متنوع، توسعه و ارتقاء جایگاه اقوام با رعایت اصل عدالت از هر منظری دور نماند؛ زیرا در حال حاضر توجه به جایگاه اقوام و بررسی فرصت‌های پیش‌روی آنان امری لازم و ضروری به‌شمار می‌رود که در طول دوران تاریخی گوناگونی که حاکمیت‌های متنوعی بر سرزمین ایران مستولی بوده است، موقعیت‌ها و جایگاه اقوام ایرانی از قبیل؛ فارس، ترک، بلوچ،

عرب و ترکمن، دچار فراز و نشیب‌هایی گردیده است؛ با این حال تلاش این مقاله بر آن است تا با در نظر گرفتن اهمیت و ضرورت تحقیق پیش رو، ضمن توجه به آسیب‌های امنیتی احتمالی، به بررسی این مقوله پرداخته شود که پیاده‌سازی چه عواملی باعث کاهش و یا حذف فرصت‌های نابرابر در میان اقوام مختلف کشور جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و از سوی دیگر با به-کارگیری تئوری‌ها و نظریه‌های امنیتی موجود، پیامدهای احتمالی امنیتی آن نیز مورد واکاوی صحیح و منصفانه قرار گیرد.

اهداف تحقیق

در این مقاله بررسی فرصت‌های نابرابر در میان اقوام مختلف کشور جمهوری اسلامی ایران (با مذاقه ریشه تاریخی، علل وقوع و...) و اثرگذاری آن بر امنیت ملی با ارایه راه‌کارهای برون‌رفت و سیاست‌گذاری‌های اساسی آتی جهت ایجاد فرصت برابر برای اقوام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان هدف اصلی مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است.

سؤال‌های تحقیق

- سؤال اصلی:** پیامدهای امنیتی نابرابری فرصت‌ها در میان اقوام مختلف ج.ا.ایران و راه‌کارهای حذف و یا کاهش آن‌ها کدامند؟
- سؤال‌ات فرعی
- ✓ آیا در میان اقوام مختلف کشور جمهوری اسلامی ایران نابرابری در توزیع فرصت‌ها وجود دارد؟
 - ✓ آیا نابرابری فرصت‌ها در میان اقوام مختلف ج.ا.ا، با پیامدهای امنیتی همراه است؟
 - ✓ علل و ریشه‌های ایجاد فرصت‌های نابرابر در میان اقوام ساکن در پهنه سرزمینی کشور ایران کدامند؟
 - ✓ راهکارها و سیاست‌گذاری‌های اساسی آتی جهت تغییر در رویه نابرابری فرصت‌های اقوام ج.ا.ا (از تهدید به فرصت) کدامند؟

فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی: احتمالاً فرصتهایی نابرابر در میان اقوام مختلف جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که منجر به ایجاد پیامدهای امنیتی گردیده است؛ و در این راستا عواملی وجود دارند که برای حذف و یا کاهش این فرصتهای نابرابر مؤثرند.

فرضیه رقیب: احتمالاً فرصتهایی نابرابر در میان اقوام مختلف جمهوری اسلامی ایران وجود نداشته که منجر به ایجاد پیامدهای امنیتی بگردد؛ و در این راستا عواملی نیز وجود نخواهند داشت که برای حذف و یا کاهش این فرصتهای نابرابر، مؤثر واقع گردند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی تحقیق

از جمله پژوهش‌های مبسوط که در خصوص موضوع مقاله پیش رو، به انجام رسیده عبارتند از:

➤ آقایان ابراهیم رومینا و برات فرجی در پژوهشی با عنوان تنوع قومی و پایداری امنیت ملی در ایران، ضمن کالبدشکافی تنوع قومی و مذاقه تنوع قومیت‌های ساکن در جغرافیای ایران، وجود مسئله قومیت و به تبع آن فرضیه تضعیف امنیت ملی را در کشورهای جهان سوم به فرضیه‌ای تعمیم‌پذیر در تحلیل مناسبات قومیت و حاکمیت سیاسی تعبیر نموده؛ لیکن تداوم تاریخی کشور و حکومت با مشارکت و انسجام اقوام مختلف در ایران را بیانگر عدم تعمیم‌پذیری این فرضیه دانسته و به این نتیجه رسیده‌اند که تنوع قومی در ایران به واسطه ساخت اکولوژیکی این گروه‌ها و تداوم آن در ساختار ملت ایران نه تنها تضعیف‌کننده امنیت ملی نبوده؛ بلکه قوام بخش و تداوم دهنده مفهوم کشور بوده است.

➤ آقای محمد مهری کارنامی، طی تحقیقی، تأثیرات قومیت‌گرایی بر امنیت ملی را از منظر آسیب‌شناسی، مورد بحث قرار داده و با بیان این‌که منظور از قوم‌گرایی سیاسی شدن علائق زبانی، مذهبی و سایر مظاهر کهن و تبدیل آن به عناصر اصلی بسیج سیاسی در فرایند سیاسی جامعه است، پنج حوزه اصلی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی (داخلی) و تحریکات قومی و قبیله‌ای (خارجی) را به‌عنوان عوامل مؤثر در برخورد ریشه‌ای با علل بروز ناآرامی و اغتشاش در مناطق قومیت‌نشین مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

➤ آقای مصطفی ابطحی و تیم پژوهشی همراه وی در مقاله‌ای تحت عنوان، سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در امنیت و انسجام ملی با بررسی سیاست‌گذاری قومی در نظام جمهوری اسلامی و نقش آن در امنیت و انسجام ملی، توسعه ناموزون در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، برخورد سلیقه‌ای و بدون توجه به سیاست‌گذاری تعیین شده قومی را از عوامل شکست و تلاش در جهت مشارکت سیاسی اقوام، توجه به زبان، آداب اقوام، بهره‌گیری از نخبگان قومی در مناصب و پست‌های اداری، از نقاط موفقیت‌آمیز سیاست‌های قومی در ایران برشمرده و عدم مدیریت صحیح تنوع قومی و مذهبی در ایران و اعمال نکردن سیاست-گذاری متناسب با آن را موجب تهدید جدی امنیت و انسجام ملی قلمداد کرده است.

➤ رسول صادقی در مقاله‌ای تحت عنوان «داده‌های قومی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر»، آورده است که در ایران سیاست قومی نوشته شده‌ای نداریم؛ اما نوعی سیاست و تبعیض قومی اعمال شده وجود دارد که جلوه‌های آن در سطوح کلان (تفاوت‌های استانی سطح توسعه و توزیع امکانات)، میانی (تفاوت سطح طبقاتی و پایگاه خانوارها) و خرد (تفاوت توانمندی‌های آموزشی و شغلی افراد) قابل مشاهده می‌باشد.

➤ عزت‌الله عزتی و جمال احمدی سیلوه در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضایی بحران قومیت در خاورمیانه با تأکید بر قوم‌گرایی»، به قوم‌گرایی و بحران‌های قومی ناشی از نظام تمرکزگرایی و توسعه و نابرابری فرصت‌های رشد در مناطق قومی کشور ایران و رفتارهای دولت مرکزی از آغاز فعالیت این جنبش‌های قومیتی تا شکل‌گیری ج.ا.ا. پرداخته و ضمن بررسی تأثیر این نابرابری در پایان عملکرد دولت‌های مرکزی در برابر اعتراضات و ناآرامی‌ها در مناطق گردنشین را ضعیف دانسته است.

مبانی نظری

مفاهیم و تعاریف

- امنیت^۱: امنیت دارای دو معنای ایجابی و سلبی است که ایجابی یعنی «وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان» و سلبی یعنی «نبود ترس، اجبار و

تهدید»؛ بنابراین می‌توان گفت امنیت عبارت است از «رهایی از وحشت، خوف، خطر و داشتن آرامش و اطمینان در حراست و صیانت از ارزش‌ها و منافع حیاتی کشور» (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

- امنیت ملی^۲: شخصی مانند «باری‌بوزان»^۳ اعتقاد دارد: امنیت ملی از نظر مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم و از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند است؛ بنابراین امنیت ملی عبارت است از: «وضعیتی که در آن یک کشور نسبت به منافع و ارزش‌های حیاتی خود، تهدید جدی احساس نکند» (تقی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۹۰) و یا «امنیت ملی عبارت است از؛ توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی، علیه حیات سیاسی یا منافع ملی» (مرادیان، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

از منظری دیگر، امنیت ملی مفهومی است که پس از پیدایش دولت‌ها مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت؛ البته تا پیش از آن نیز واژه امنیت مورد توجه بود و امنیت، مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و چه قوم یا کشور بوده و خواهد بود؛ لذا امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشندل، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۳).

- امنیت پایدار^۱: مفهوم امنیت پایدار متضمن یک مفهوم نو در مباحث امنیتی است (علایی، ۱۳۹۱: ۷)؛ در واقع امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که در آن به همه عوامل؛ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۲).

- قوم^۲: قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص، با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات و عناصر فرهنگی مشترک با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶)؛ یا قوم به اجتماعی از افراد اطلاق می‌شود که برای خود

2 - National Security

3 - Barry Buzan

1 - Sustainable Security

2 - Ethnic

سرگذشت تاریخی، سرزمین، آداب و رسوم، زبان و نهادهای فرهنگی مشترکی قائل هستند و در برابر آن‌ها احساس تعهد و وفاداری مشترکی دارند (زارعی، ۱۳۹۸: ۴۹).

- قوم‌گرایی: از نظر «آنتونی اسمیت»^۳ قوم، بنیاد یک ملت را می‌سازد و به همین خاطر وی از جمله کسانی است که میان قدیمی‌گرایان و نوگرایان پل می‌زند و ناسیونالیسم خود را ناسیونالیسم قومی می‌پندارد. «ارنست گلنر»^۴ ریشه قوم‌گرایی را با عوامل ذهنی و معنایی مرتبط می‌داند؛ او ناسیونالیسم را ثمره ملت نمی‌داند؛ بلکه ملت را ثمره ناسیونالیسم می‌داند (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

- قومیت^۵: «اشنایدر»^۶ درباره قومیت می‌گوید که گرایش به سوی تعمیم واژه قومیت همچنان مشکل‌آفرین است (جویباری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۴). قومیت شامل سمبل و رموزی است که به خلق پیوستگی درونی و تمایز میان خود از دیگر گروه‌ها کمک می‌کند و موضوعاتی مانند نسب، تولد و احساس خویشاوندی برای اعضای گروه مهم تلقی می‌شود (Brass, 1991: 19). «دیوید رابرتسون»^۷ در این باره می‌گوید، قومیت عبارت است از ترکیب پیچیده ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و تاریخی که توسط آن‌ها جوامع به خانواده‌های سیاسی مجزا تقسیم می‌شوند (Robertson, 1993: 169).

ادبیات تحقیق

ایران کشوری متنوع از نظر قومی است؛ ویژگی‌های متمایزکننده اقوام از یکدیگر در ایران به‌ویژه بر مؤلفه‌های زبانی، مذهبی و نژادی متمرکز می‌شود. اقوام در ایران به شکل اقلیت‌های مشخص در مناطق و استان‌های مرزی پراکنده شده‌اند. سکونت پنج قوم ایرانی در مناطق مرزی و همجوار با کشورهای هم‌زبان خود، زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی در نقاط مرزی به وجود می‌آورد. شاخص‌هایی چون داشتن زبان رسمی، رادیو و تلویزیون محلی درخواست سهم‌شدن در قدرت یا مشارکت در انتخابات محلی به این معنا است که اقوام مختلف ایرانی اعم از ترک، کرد، لر، بلوچ ترکمن و عرب تا حد زیادی به

3 - Anthony Smith

4 - Ernest Gellner

5 - Ethnicity

7 - David Robertson

خودآگاهی قومی رسیده‌اند و اتخاذ سیاست‌های قومی مناسبی را از طرف دولت مرکزی می‌طلبند؛ اگر دولت مرکزی با توجه به این خودآگاهی‌های قومی، با اتخاذ سیاست‌های خاص آن‌ها را به سوی مشارکت ملی سوق دهد؛ در این صورت هویت ملی آنان تقویت خواهد شد (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۸)؛ از سوی دیگر قومیت‌گرایی یکی از آفت‌های جامعه بشری است که در طول تاریخ رنج و ستم بی‌شماری را بر انسان‌ها تحمیل کرده است؛ این پدیده ریشه در خصلت سلطه‌جویی و افزون‌طلبی انسان دارد و در صورت غفلت از این انگیزش و خواست‌های قومی و مطرح‌شدن افراطی مسائل قومیت‌گرایی در گستره جهانی و دامن‌زدن کشورهای متنفع به این مسئله، طولی نخواهد کشید که جهان به‌ویژه کشورهای چندقومی از قبیل ایران به شدت تحت‌تأثیر پیامدهای ناخوشایند این امر قرار گیرند؛ از طرفی موقعیت جغرافیایی خاص کشور ایران و قرار گرفتن آن در گذرگاه مهاجرت‌های بزرگ تاریخی و هجوم اقوام کوچ‌نشین به این کشور، باعث سکونت اقوام گوناگون و پیدایش تنوع زیاد قومی و نژادی در ایران شده است (همان، ۵۰-۵۲).

نوابری فرصت‌های اقوام ایرانی در گذر تاریخ

تنوع اقوام در کشور جمهوری اسلامی ایران در مناطقی همچون آذربایجان، گیلان، خراسان و خوزستان، ایلام، سیستان و بلوچستان و مناطق کویری حاکی از تمایزات قومی، زبانی خاص شکل گرفته و قابل شناسایی هستند. معمولاً در میان افراد و گروه‌های یک قلمرو جغرافیایی که دارای نژاد، زبان، آداب و رسوم مشترک باشند، نوعی همبستگی قومی شکل می‌گیرد؛ این همبستگی قومی ویژگی‌ای است که نسبت به خودی احساس همدردی و نسبت به دیگران احساس بیگانگی ایجاد می‌کند؛ لذا از دیدگاه علوم اجتماعی احساس همدردی را می‌توان «همگرایی»^۱ و احساس بیگانگی را «واگرایی»^۲ تلقی نمود. بر اثر گذشت زمان همسانی و همگونی گروه‌ها، سبب نزدیکی افراد گروه‌ها به یکدیگر می‌شود؛ از طرفی پراکندگی اختیاری و یا اجباری انسان‌ها در قالب هر قومیتی در مناطق مختلف یک کشور و یا جهان نیز گروه‌های اجتماعی متعددی را به‌وجود می‌آورد. ایران دارای سرزمینی است که در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصد همانندی در رتبه

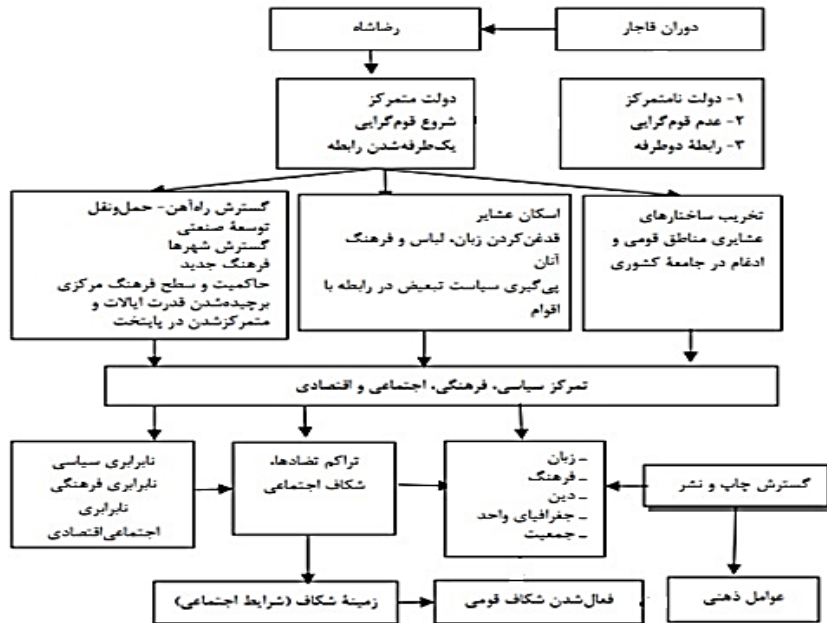
^۱ - Convergence

^۲ - Divergence

شانزدهم، شناخته می‌شود. در ایران اگرچه فارسی‌زبانان در اکثریت قرار دارند؛ لیکن وجود شش قومیت ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و لر نیز در آن به چشم می‌خورد (سیف‌الهی، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۰)؛ در خصوص چرایی ایجاد فرصت‌های نابرابر در میان اقوام مختلف کشور ایران؛ این اقوام در سیری تاریخی در وضعیت نابرابری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته‌اند؛ این نابرابری‌ها طبق نظریهٔ مختلف منشأ تضاد بوده‌اند و در برخی مواقع زمینه‌های اجتماعی شکاف قومی نیز فراهم شده است؛ مثلاً در بررسی دو دورهٔ تاریخی قاجار و پهلوی اول، متوجه خواهیم شد که در دوران پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۴ هـ.ش) زمینه‌های اجتماعی ایجاد شکاف قومی مشهودتر است (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۹) (شکل شمارهٔ ۱)

لذا بررسی تاریخی نشان می‌دهد که ایران در زمان قاجاریه با پدیدهٔ شکاف قومی در کشور مواجه نبوده است؛ اما در زمان پهلوی اول وضعیت فرق کرد؛ رضاشاه استان‌های کشور را دوباره تقسیم و در این تقسیم‌بندی، اقوام ایرانی در میان استان‌های همجوار تقسیم شدند؛ او قدرت ایالت‌ها را محدود و زبان‌های محلی را نیز قدغن کرد و این کار فقط به دلیل محلی بودن و ابتدایی بودن زبان‌ها یا لهجه‌ها نبود؛ بلکه او می‌خواست آن‌ها را در فرایند ملت‌سازی در زبان فارسی ادغام کند. تبعیض کلی و سرتاسری بود و فقط شامل گُردها، عرب‌ها و بلوچ‌ها نبود؛ بلکه تُرک‌ها هم از این وضع ناراضی بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۸۹). ایران کشوری است که بیش از هفتاد سال سابقهٔ برنامه‌ریزی منسجم اقتصادی دارد که در دو مقطع قبل و بعد از انقلاب به اجرا رسید؛ لذا هیچ استدلال منطقی‌ای نمی‌توان یافت که چرا بعد از هفت دهه برنامه‌ریزی، بعضی از مناطق قومی ایران دارای شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی پایینی هستند (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۳). در جدول ذیل اقوام ایرانی برحسب مذهب، گردش‌نخبگان، وضعیت اقتصادی و وضعیت شکاف قومی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند (جدول شمارهٔ ۱).

شکل شماره ۱: بررسی وضعیت نابرابری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اقوام ایرانی و زمینه‌های ایجاد شکاف قومی در دوران پهلوی اول (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۰)



جدول شماره ۱: بررسی وضعیت اقوام ایرانی برحسب مذهب، گردش نخبگان، وضعیت اقتصادی و وضعیت شکاف قومی آن‌ها (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۴)

ردیف	نام قوم	مذهب	گردش نخبگان	وضعیت اقتصادی	شکاف قومی
۱	فارس	تشیع	باز	خوب	غیرفعال
۲	آر	تشیع	باز	ضعیف	غیرفعال
۳	گیلک	تشیع	باز	خوب	غیرفعال
۴	مازنی	تشیع	باز	خوب	غیرفعال
۵	ترک	تشیع - اقلیت تسنن	باز	خوب	فعال
۶	کرد	تسنن - تشیع	بسته	ضعیف	فعال
۷	بلوچ	تسنن - تشیع	بسته	ضعیف	فعال
۸	عرب	تشیع - تسنن	ناحدهی بسته	ضعیف	فعال
۹	ترکمن	تسنن	بسته	متوسط	فعال

تهدید شناسی تنوع اقوام در گستره سرزمینی ایران

اساسی‌ترین موضوع درباره عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در شناخت تهدیدها و متغیرها در امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران، آگاهی و شناخت تهدیدهای داخلی و خارجی است

که عدم آشنایی با این تهدیدها موجب بروز چالش‌های فراوانی در این مسیر می‌گردد؛ یکی از روش‌های مناسب در فهم ماهیت تهدیدها، طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های متفاوت است. تهدید در مکاتب، نظریه‌ها و رهیافت‌های مختلف امنیتی، نقش و جایگاه متفاوتی دارد؛ به‌طور مثال تهدید در نظریه واقع‌گرایی به‌ویژه مکتب کپنهاگ، نقش محوری در امنیت ملی دارد؛ اما تهدید در نظریه سازه‌انگاری، در حاشیه قرار گرفته است (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) (جدول شماره ۲):

جدول شماره ۲: تهدید از منظر مکاتب و نظریه‌های امنیتی (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۶۳)

نظریه‌ها و مکاتب امنیتی	اندازه‌گیری تهدید		ماهیت تهدید		ابزار اعمال تهدید		ابعاد تهدید			سطح تهدید		نقش و جایگاه تهدید	
	میزان	معمول	تهدید	جمله	ابزار	ابزار	نقشه	نقشه	نقشه	سطح	سطح	نقش	نقش
سازه-انگاری	+			+	+		+	+		+		+	
کپنهاگی		+	+		+	+	+	+	+		+		+
قدرت نرم	+			+	+		+			+		+	
جهان سوم	+	+	+	+	+			+		+	+	+	
توازن تهدید		+	+			+		+			+		+
رهیافت نبرد اطلاعات	+			+	+		+	+		+		+	
انتقادی	+			+	+		+	+		+		+	

با این حال، تهدیدها بر مبنای شاخص‌های مختلفی از جمله؛ منبع، سطح، موضوع، ابزار، طیف و شیوه اعمال دسته‌بندی می‌شوند؛ به‌طور کلی می‌توانیم تهدیدها را براساس روش اعمال و پیامدهای آن به سه طبقه تقسیم نمائیم؛ تهدید سخت، تهدید نیمه‌سخت و تهدید نرم و چنانچه بخواهیم نوعی از این‌گونه طبقه‌بندی را به موارد حادث شده در جمهوری اسلامی ایران ربط دهیم، شاید بتوان گفت که تهدید نرم از آن جهت که دارای طیف‌های؛

«آشکار»، «نیمه‌پنهان» و «پنهان» است و از لحاظ سطح نیز دارای دو سطح «راهبردی» و «ملی» می‌باشد، ارتباط وثیقی با آن پیدا می‌کند؛ با این حال می‌توان، تهدیدها را با معیار ماهیت و ابزار و پیامدهای آتی آن، بررسی تطبیقی نمود (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۷۳) (جدول شماره ۳):

جدول شماره ۳: بررسی تطبیقی مؤلفه‌ها در تهدیدهای سه‌گانه (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۴)

مؤلفه‌ها	تهدیدهای نرم	تهدیدهای نیمه‌سخت	تهدیدهای سخت
ماهیت تهدیدها	۱- ذهنی و غیرقابل درک ۲- غیرخشونت‌آمیز ۳- نرم افزارانه ۴- ماهیت اجتماعی ۵- منازعه نامرئی	۱- قابل درک بیشتر ۲- غلبه سخت‌افزاری ۳- رفتاری و قهرآمیز ۴- ماهیت سیاسی ۵- منازعه غیرمستقیم	۱- عینی و قابل درک ۲- خشونت‌آمیز ۳- سخت افزارانه ۴- ماهیت امنیتی ۵- منازعه مستقیم
ویژگی تهدیدها	۱- اعمال در بسترهای عرفی ۲- چند وجهی بودن ۳- وسیع بودن گستره و پیامد ۴- تدریجی بودن ۵- پایین بودن تبعات روانی ۶- جامعه‌محور بودن	۱- طبقه‌بندی داشتن اقدام‌ها ۲- بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی ۳- پنهان بودن اقدام‌ها ۴- پیچیده بودن اقدام‌ها ۵- متکی بر انکار و فریب ۶- هیجان‌ساز بودن	۱- آشکار و علنی بودن ۲- استفاده از ابزارهای مرگبار ۳- کشتار و حذف فیزیکی ۴- مشخص بودن لاجمن دشمن ۵- خارج‌محور بودن تهدید ۶- دولت‌محور بودن تهدید
عوامل و بازیگران تهدیدها	۱- کانون‌های تفکرو مراکز مطالعاتی ۲- مراکز فرهنگی، هنری و آموزشی ۳- عناصر اصلی نظریه-پرداز جنگ‌نرم ۴- صاحبان سرمایه در صنعت فرهنگی ۵- سازمان‌های مردم‌نهاد	۱- حزب‌ها و گروه‌های سیاسی معارض ۲- سازمان‌های اطلاعاتی دشمن قومی واگرا ۳- تشکل‌های صنفی و قومی واگرا ۴- سازمان‌های -هدایت‌کننده جنگ نرم ۵- عناصر نفوذی و تحت‌حمایت‌دشمن	۱- دولت‌های سلطه-گر ۲- نیروهای مسلح ۳- ضدانقلاب مسلح ۴- نهادهای امنیتی منطقه‌ای ۵- سازمان‌های امنیتی بین‌المللی

<p>۱- تمامیت ارضی ۲- منابع و ذخایر انرژی ۳- زیرساخت‌های کشور ۴- تسلیحات راهبردی ۵- توان دفاعی- امنیتی</p>	<p>۱- اعتماد عمومی ۲- انسجام سیاسی ۳- مقبولیت سیاسی ۴- کارآمدی دولت ۵- مشارکت سیاسی</p>	<p>۱- باور و ارزش‌های پایه ۲- افکار عمومی ۳- سبک زندگی ۴- هویت ملی ۵- انسجام اجتماعی</p>	<p>اهداف مرجع تهدیدها</p>
<p>۱- اختلافات مرزی و ژئوپلیتیکی ۲- توسعه‌طلبی سرزمینی ۳- برهم خوردن موازنه قوا ۴- توسعه فن‌آوری- های تسلیحاتی ۵- فقدان بازدارندگی دفاعی ۶- فقدان روحیه ملی و دفاعی ۷- رقابت تسلیحاتی</p>	<p>۱- تعارض در ایده و الگوی حکومت ۲- بحران مشروعیت سیاسی ۳- بحران اعتماد عمومی ۴- بحران کارآمدی و مدیری ۵- بحران انسجام سیاسی ۶- غفلت امنیتی ۷- فقدان ثبات سیاسی</p>	<p>۱- ایدئولوژی معارض ۲- آسیب‌پذیری‌های داخلی ۳- قدرت نرم علمی دشمن ۴- قدرت نرم رسانه‌ای دشمن ۵- قدرت صنایع فرهنگی دشمن ۶- توان دیپلماسی- عمومی دشمن ۷- ظرفیت موجود واگرایی در داخل</p>	<p>بسترهای تشدیدکننده تهدیدها</p>
<p>۱- جنگ تمام‌عیار ۲- جنگ محدود ۳- بمباران راهبردی ۴- جنگ نیابتی ۵- اقدام‌های تروریستی ۶- عملیات ویژه و پنهانی ۷- اشغال و الحاق سرزمین</p>	<p>۱- انقلاب‌های رنگی ۲- کودتای مخملین ۳- شورش ۴- اغتشاش ۵- همکاری‌نکردن با حکومت ۶- جذب مخالفان حکومت ۷- جنگ و مقابله شبکه‌ای</p>	<p>۱- عملیات روانی ۲- مدیریت ادراک ۳- دیپلماسی عمومی ۴- شبکه‌سازی اجتماعی ۵- شبکه‌سازی مجازی ۶- فریب راهبردی ۷- اعتراض غیرخشوت- آمیز</p>	<p>روش‌های اعمال تهدیدها</p>
<p>۱- نیروهای مسلح ۲- تجهیزات نظامی ۳- گروه‌های معارض مسلح</p>	<p>۱- جاسوسی ۲- ضدجاسوسی ۳- تجهیزات فنی اطلاعاتی</p>	<p>۱- تولیدها و صنایع فرهنگی ۲- رسانه‌های جمعی ۳- فضای مجازی</p>	<p>ابزارهای اعمال تهدیدها</p>

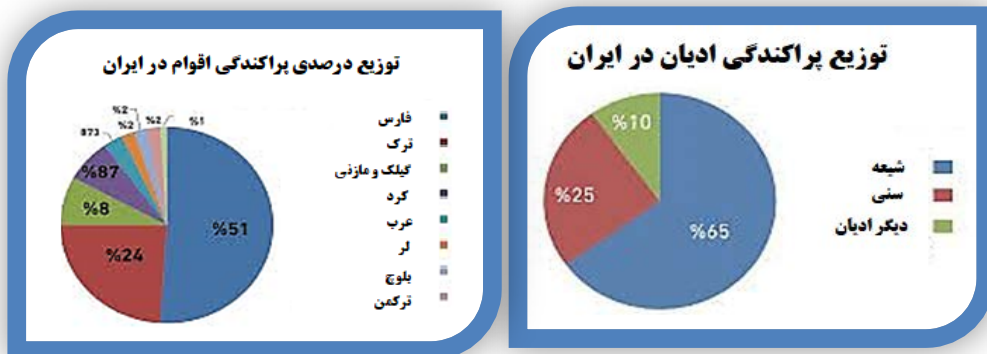
<p>۴- فن‌آوری‌های نظامی</p> <p>۵- پایگاه‌های نظامی</p> <p>۶- اتحادها و ائتلاف-های نظامی</p> <p>۷- جاسوسی نظامی</p>	<p>۴- منابع اطلاعاتی</p> <p>۵- نقشه و عکس هوایی</p> <p>۶- سفارتخانه‌های خارجی</p> <p>۷- گروه‌های معارض</p>	<p>۴- نمادها و الگوهای ضدارزش</p> <p>۵- نظریه‌پردازی در جهت تحقق تهدیدنرم</p> <p>۶- سازمان‌های غیردولتی همگرا با دشمن</p> <p>۷- تولید و عرضه سازمان‌یافته موادمخدر</p>	
<p>۱- مخدوش‌شدن تمامیت ارضی</p> <p>۲- کاهش سرمایه-های انسانی</p> <p>۳- تخریب مراکز حساس</p> <p>۴- برهم خوردن توازن قوا</p> <p>۵- تضعیف نیروهای مسلح</p> <p>۶- تصرف مناطق راهبردی</p>	<p>۱- کاهش اعتماد و نفوذ دولت</p> <p>۲- کاهش یا فقدان مشارکت سیاسی</p> <p>۳- کاهش یا فقدان ثبات سیاسی</p> <p>۴- افزایش نرخ رفتار خشونت‌آمیز</p> <p>۵- کاهش یا فقدان مشروعیت</p> <p>۶- تضعیف وحدت و انسجام سیاسی</p>	<p>۱- تغییر افکار پایه و هویت‌دهنده</p> <p>۲- تغییر نگرش و ارزش-های پایه</p> <p>۳- تضعیف هویت ملی</p> <p>۴- کاهش دلبستگی ملی</p> <p>۵- وابستگی علمی</p> <p>۶- کاهش انسجام اجتماعی</p>	<p>پیامدها و شاخص‌های تهدیدها</p>
<p>۱- تقویت روحیه ایثار و شهادت</p> <p>۲- تقویت روحیه مقاومت</p> <p>۳- تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در نیروهای مسلح</p> <p>۴- تقویت صنعت دفاعی</p> <p>۵- ارتقاء مهارت‌ها و شایستگی‌های نیروهای مسلح</p> <p>۶- ایجاد با‌دارندگی دفاعی</p>	<p>۱- افزایش شاخص‌های مشارکت</p> <p>۲- تقویت انسجام سیاسی</p> <p>۳- تقویت اعتماد عمومی</p> <p>۴- افزایش نفوذ در محیط خارجی و بین‌المللی</p> <p>۵- افزایش کارآمدی دولت</p> <p>۶- استقلال و خودکفایی اقتصادی</p> <p>۷- اشراف در اطلاعات و امنیتی</p>	<p>۱- تقویت روحیه ملی</p> <p>۲- افزایش قدرت اقناع-گری افکار عمومی</p> <p>۳- نفوذ معنوی و ایدئولوژیک حاکمیت</p> <p>۴- تعمیق باورها و ترویج ارزش‌های اسلامی</p> <p>۵- افزایش کمی و کیفی تولیدهای فرهنگی و رسانه‌ای</p> <p>۶- تأثیر بر افتخارات دینی، ملی و انقلابی</p> <p>۷- خودباوری و استقلال علمی</p>	<p>امنیت‌سازی و شیوه مقابله با تهدید</p>

ساختار فضایی - جغرافیایی اقوام ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

ساختار فضایی - جغرافیایی اقوام ایران از دو بخش به هم پیوسته مرکزی و پیرامونی پدید آمده است. بخش پیرامونی بر خلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، دچار گسیختگی است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را در بر می‌گیرد. در بخش حاشیه‌ای گروه‌های قومی آذری، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن سکونت دارند و اقلیت مذهبی اهل سنت با دو شاخه حنفی و شافعی در فضای پیرامونی کشور پراکنده‌اند. در ترکیب قومی ملت ایران، اکثریت با فارس‌ها و سپس

آذری‌هاست و کردها، عرب‌ها و بلوچ‌ها ترکمن در رده‌های بعدی قرار دارند؛ که اجزا و گروه‌های قومی و مذهبی ملت ایران، دنباله جغرافیایی - فضایی در آن سوی مرزهای سیاسی ایران دارند که با یکدیگر دارای تعاملات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند؛ بنابراین جامعه ایران به لحاظ سه عنصر قوم، مذهب و زبان قابل تفکیک بوده؛ که جدی - ترین آن مذهب است. به لحاظ رویکرد اجتماعی و امنیتی، نیروهای گریز از مرکزی در ایران (به‌ویژه در حواشی مرزها) وجود دارند که می‌توانند در مواقع اضطراری به‌عنوان کانون‌های بحران‌زا مطرح گردند (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۱) (اشکال شماره ۱-۴-

(۲)



شکل شماره ۲: درصدی پراکندگی اقوام و ادیان در ایران در دوران معاصر (محمدزاده

و دیگران، ۱۳۶:۱۳۹۷)

برخی راهکارهای و سیاست‌گذاری‌های ایجاد فرصت‌های قومیتی برابر در جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد که در حال حاضر اقوام ساکن در کشور جمهوری اسلامی ایران؛ هم می‌توانند منبع چالش باشند و هم با ارائه فرصت به آنان، مراتب رشد و توسعه کشور را فراهم آورده و منبع قدرت محسوب شوند؛ البته اقوام ایران از نظر فضایی با دور شدن از بخش مرکزی کشور به سوی نواحی مرزی، مقوله‌ای تحت عنوان توسعه نیافتگی در آنان به وضوح مشاهده می‌شود، که این مسئله می‌تواند عنصر واگرایی را در مناطق مرزی تقویت کند؛ به‌ویژه برخی از آنان در صورت غفلت حکومت مرکزی، مترصد آن خواهند بود که به‌عنوان یک تهدید عمل نمایند. به‌طور خلاصه از دهه اول تا سوم قرن بیستم دولت مرکزی استراتژی سرکوب مستقیم را علیه قومیت‌های مرزنشین به‌کار گرفت. در بدو انقلاب اسلامی هم به علت باز بودن فضای سیاسی بر شدت تمایلات سیاسی در مناطق مرزی افزوده شد. دولت انقلابی نیز با توجه به آرمان و اهداف متعالی و انسانی انقلاب اسلامی، تمایلی به استفاده از سرکوب نداشت. در بین اقوام، قوم بلوچ عامل ایجاد بحران بوده است. قوم گُرد از نظر کمی، بزرگ‌ترین اقلیت قومی در بین کشورهای خاورمیانه است؛ از طرفی مرز استان‌های کردنشین، حساس‌ترین مرزها از نظر امنیتی به‌شمار می‌روند؛ زیرا همیشه دخالت نیروهای بین‌المللی در این مرزها به وضوح دیده شده است؛ اما در عوض قوم ترک یا همان آذری‌ها که تقریباً در اکثر نقاط کشور پراکنده هستند، از نظر مذهب نیز با بخش مرکزی تجانس دارند و شمال‌غربی ایران و دیگر مناطق آذری‌زبان کشور، نسبت به سایر اقوام از میزان امنیت بالایی برخوردار است. قوم ترکمن نیز در ایجاد شکاف قومی، با دولت مرکزی نقشی نداشته است (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۸-۶۷).

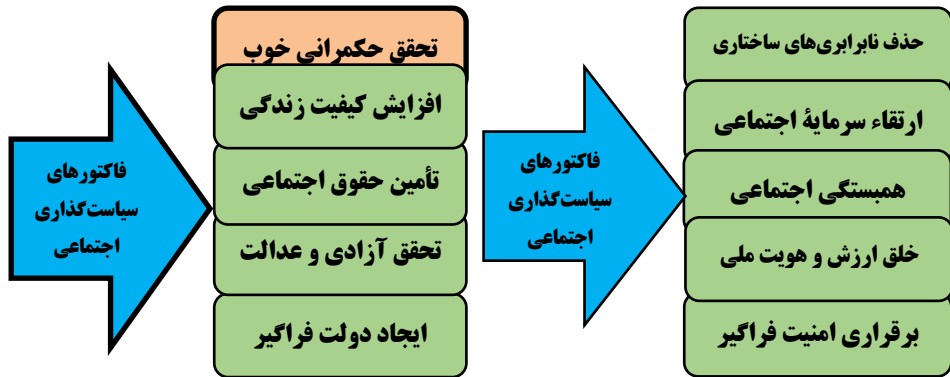
در جمهوری اسلامی ایران به‌رغم تلاش‌های حکومت مرکزی برای ایجاد یک ملت ایرانی یگانه، فرایند نوسازی نیز تا حدود زیادی زمینه‌ساز شکل‌گیری عناصر یک هویت ملی یکپارچه بوده است و وجود این مؤلفه‌های هویتی را در فرهنگ همه ایرانیان حتی در فرهنگ‌های قومی امروزی نمی‌توان انکار کرد و به‌نظر می‌رسد این چالش هم‌اکنون در

حکومت جمهوری اسلامی و در زمینه هویت قومی مشاهده می شود؛ به عنوان مثال چنانچه قانون اساسی از حقوق برابر برای تمام گروه های قومی سخن می گوید و تصریح می کند که می توان از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آن ها در مدارس استفاده کرد؛ این عمل تا حدی تحقق یافته است؛ گرچه برخی در حکومت مرکزی همچنان از این بیم دارند که آزادی بیشتر سنی ها در انجام مراسم مذهبی و استفاده کنترل نشده از زبان های محلی ممکن است، پیوندهای این گروه ها را با هم قومیت های خود در آن سوی مرز تقویت کند و مشوق جدایی طلبی شود و امنیت ملی را تحت شعاع قرار دهد (زارعی، ۱۳۹۸: ۵۱).

پیاده سازی «سیاست گذاری اجتماعی»

سیاست گذاری اجتماعی از طریق تحقق عدالت و برابری و حذف نابرابری های ساختاری، ارتقای سرمایه اجتماعی و ایجاد همبستگی اجتماعی، باعث ارتقاء هویت جمعی می گردد. پیاده سازی سیاست گذاری اجتماعی بر اساس مقوله شهروندی، بایستی بدون توجه به ملاحظات قومی، زبانی، دینی و مذهبی صورت گیرد تا در سطح کشور موجب بستر سازی جهت برقراری فرصت های برابر گردد. تجربه محققان نشان می دهد که پیاده سازی عناصر سیاست گذاری اجتماعی در کشور انگلستان به همه شهروندان بریتانیا، مزایا و منافع فراگیری اعطاء کرد که این مسئله به تضمین وفاداری اسکاتلندی ها به بریتانیا، کمک زیادی کرد؛ لذا سیاست گذاری اجتماعی دارای ده فاکتور اساسی بوده که ملت سازی پایدار، هدف نهایی آن است (سیدامامی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸) (شکل شماره ۳):

شکل شماره ۳: فاکتورهای ده‌گانه سیاست‌گذاری اجتماعی (سیدامامی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹)



پیااده‌سازی «سیاست‌گذاری فرهنگی»

در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی گفتمان‌سازی است که هدف آن تقویت گفتمان وحدت قومی با رویکرد فرهنگ‌سازی بوده و با غلبه گفتمان فرهنگی در مناطقی که دارای تنوع قومی هستند، کارساز است؛ مانند بهره‌گیری از ظرفیت زبان‌ها و گویش‌ها در رسانه ملی؛ همچنین برجسته‌سازی نقاط مثبت و ایثارگری اقوام می‌تواند از عوامل انسجام بخش و میل و گرایش اقوام به سمت حکومت مرکزی به‌شمار رود. افزایش تحرک اجتماعی و تبادل فرهنگی اقوام در داخل کشور با سایر گروه‌های اجتماعی، نیز اقدامی مؤثر بوده که در پیااده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی اقدامی آینده‌پژوهانه خواهد بود؛ با این حال مدیریت افکار عمومی اقوام گوناگون کشور از طرق مختلف به‌ویژه تبلیغ خدمات نظام به روش‌های غیرحساسیت‌زا و رفع احساس تبعیض و سوء تفاهم و بازنمایی صحیح و مطلوب از چهره اقوام در جامعه و در سطح ملی از جمله مواردی هستند که در صورت پیااده‌سازی مطلوب آن، نتایج اثربخشی را نصیب کشور خواهد نمود؛ با این وجود برنامه‌ریزی برای صیانت از فرهنگ اقوام؛ به‌ویژه اقوام اهل سنت در برابر تهاجم فرهنگی، عقیدتی و سیاسی از سوی بیگانگان، گروه‌های افراطی، قومی، مذهبی و تکفیری با رویکرد نقش‌آفرینی فرهنگی این مناطق در برابر تهاجم فرهنگی غربی و جریان تکفیری، نیز از دیگر موارد بوده که در راستای سیاست‌گذاری فرهنگی قرار دارد (زارعی، ۱۳۹۸: ۵۵-۵۴).

پیاده‌سازی «توسعه اقتصادی یکنواخت»

«کارل دویچ»^۱ دانشمند علوم سیاسی و از سرآمدان رهیافت نوسازی اهل چک، با رویکرد ابزارگرایی توسعه را در ارتباط با اقوام و یکپارچگی ملی مورد بررسی قرار داده است؛ او معتقد است توسعه‌یافتگی در جوامع دارای تنوع قومی بر اثر گسترش ارتباطات موجب شناخت اقوام نسبت به یکدیگر شده و در نتیجه یکپارچگی میان آنان را تقویت خواهد کرد. در حوزه توسعه اقتصادی نیز برخی از محققین استدلال می‌کنند که وقتی امکانات بیشتری برای تقسیم وجود دارد، همه بهره‌مند شده و در نتیجه کمبودهای مادی کمتر می‌شود و عواملی که می‌توانند به ایجاد تضاد کمک کنند، کاهش می‌یابند؛ بنابراین چنانچه کشوری در مسیر صحیح توسعه اقتصادی یکنواخت قرار گیرد، همبستگی ملی در میان اقوام تقویت خواهد شد (رجب‌نسب، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

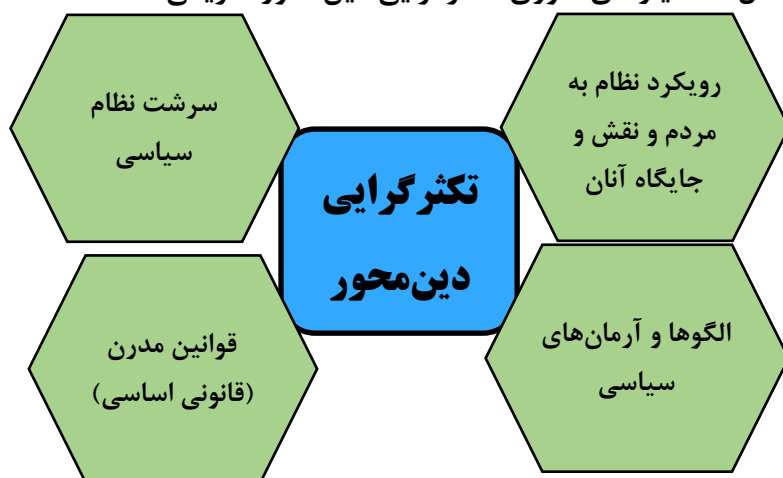
پیاده‌سازی تئوری «تکثرگرایی دین‌محور»

برای پیاده‌سازی تکثرگرایی دین‌محور، تعیین سیاست‌های قومی در هر نظام سیاسی، متأثر از عوامل و عناصر مهمی است؛ در این مدل سرشت جمهوری اسلامی ایران، مردم-سالاری دینی است؛ که با دو مؤلفه مردم‌سالاری و دین‌مداری در قالب جمهوریت و اسلامیت نظام که اعتقاد ملت، انقلاب مردم و رأی ملت در آن آمیخته است مشخص می‌شود؛ از سوی دیگر سمت و سوی سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به تنوع قومی، مبتنی بر وحدت، امنیت و یکپارچگی در چارچوب هویت اسلامی-ایرانی است (سیدامامی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰).

تکثرگرایی دین‌محور همان پیاده‌سازی سیاست‌های قومی در هر نظام سیاسی بوده که متأثر از چهار مقوله اصلی و به هم پیوسته است (کریمی‌مله، ۱۳۸۷: ۱۷۴) (شکل شماره ۴).

^۱ - Karl Deutsch

شکل ۴: معیارهای تئوری تکثرگرایی دین‌محور (کریمی‌مله، ۱۳۸۷: ۱۷۵)



پیااده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ایران با توجه به اسناد بالادستی

تنوع قومی یک پدیده جهان‌شمول است که بسیاری از کشورهای جهان با این پدیده مواجه هستند و هریک از کشورها با توجه به ساختار نظام سیاسی خود، اقدام به سیاست‌گذاری برای مدیریت این تنوع قومی نموده‌اند؛ در این راستا کشور جمهوری اسلامی ایران نیز، با بررسی مواضع و سخنان مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی، سیاست‌های موجود، ضمن آسیب‌شناسی آن‌ها و مطالعه تجربه کشورهای دارای تنوع قومی و دریافت نظرات نخبگان و متخصصان، سیاستی جامع جهت پیااده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ایران تنظیم گردیده که به همه ابعاد از جمله، حوزه فرهنگی و اجتماعی، حوزه اقتصادی، حوزه دینی و مذهب، حوزه سیاسی و حوزه امنیتی توجه ویژه داشته است که یکی از نتایج آن رویکرد فرصت‌سازی برای اقوام ایرانی است؛ درواقع رویکرد فرصت‌سازی این امکان را به نظام سیاسی می‌دهد که ضمن حرکت رو به جلو، از حرکت در مسیر دارای چرخه باطل خارج شده و زمینه را برای ورود به مسائل لاینحل به حداقل برساند (سیدامامی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از منظر هدف تحقیقی کاربردی می‌باشد و از منظر گردآوری اطلاعات تحقیقی توصیفی-پیمایشی می‌باشد؛ هنگامی که در تحقیق سعی می‌شود با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای مدل اولیهٔ سنجش سرمایهٔ فکری ارائه گردد، تحقیق از نوع توصیفی می‌باشد؛ اما هنگامی که سعی می‌گردد با کمک پرسشنامهٔ خبرگی، نظر خبرگان در مورد مدل احصا گردیده و یا هنگامی که برای بررسی فرضیات تحقیق جهت آزمون روایی مدل از پرسشنامه استفاده می‌گردد، تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تعیین درجهٔ اهمیت و اولویت‌بندی هریک از معیارها و شاخص‌های علل و چگونگی مطالب و مباحث مندرج در این مقاله از روش توصیفی، تحلیلی و روش میانه، میانگین و آزمون مجذور کا (خی دو) استفاده شده است.

روش گردآوری اطلاعات

گردآوری اطلاعات در این تحقیق با استفاده از روش‌های مطالعهٔ کتابخانه‌ای (از طریق مطالعهٔ کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با استفاده از روش فیش‌برداری و سایت‌های اینترنتی معتبر) و تحقیقات میدانی (تهیه و توزیع پرسشنامه بین صاحب‌نظران و خبرگان جامعهٔ آماری) و نیز منابع و گزارش‌های منتشر شده توسط مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی و پژوهشی دفاعی-امنیتی بوده است.

روایی و پایایی تحقیق

در این تحقیق، روایی پرسشنامه به دو طریق روایی محتوایی و روایی سازه که بر مبنای آن از روش تحلیل عاملی به‌منظور تعیین میزان پوشش دادن و ارزیابی متغیرهای پژوهش است، صورت می‌پذیرد. اعتبار پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ خواهد بود که بر مبنای آن از بررسی همسانی درونی گویه‌ها بهره گرفته می‌شود؛ ارزش آلفای کرونباخ محاسبه شده در این تحقیق برابر ۰/۹۹ در حد بالا و قابل قبول بوده و در نتیجه پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار است.

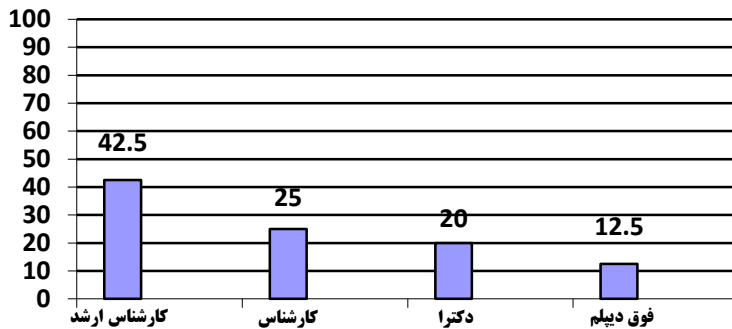
جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق را تعداد ۴۰ نفر از فرماندهان ارشد، مدیران عالی و کارشناسان خیره‌یگان‌ها و سازمان‌های سطوح فرماندهی و مدیریتی با تحصیلات عالی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و اساتید دانشگاه‌های معتبر کشور تشکیل می‌دهند؛ در این جامعه آماری پاسخ‌دهندگان به لحاظ سطح تحصیلات به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: (جدول شماره ۱-۷-۱) (نمودار شماره ۴)

جدول شماره ۴: فراوانی تحصیلی جامعه نمونه آماری

جمع	دکتری	کارشناس- ارشد	کارشناس	فوق دیپلم	نظرمقایسه- ای
۴۰	۸	۱۷	۱۰	۵	فراوانی
۱۰۰	۲۰	۴۲/۵	۲۵	۱۲/۵	فراوانی (درصدی)

نمودار شماره ۱: میزان تحصیلات جامعه نمونه آماری



جدول و نمودار ترسیم شده، گویای این مطلب است که میزان تحصیلات جامعه نمونه آماری ۱۲,۵٪ درصد فوق دیپلم و ۲۵٪ درصد کارشناس و ۴۲,۵٪ کارشناس ارشد و ۲۰٪ دکترا می‌باشند؛ بنابراین می‌توان گفت که جامعه نمونه آماری از دانش کافی برخوردار است.

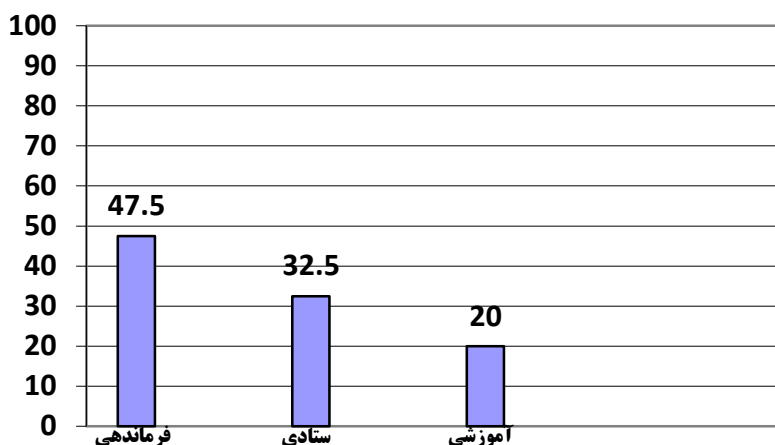
وضعیت شغل سازمانی جامعه نمونه آماری

وضعیت شغل سازمانی جامعه نمونه آماری به شرح ذیل می‌باشد

جدول شماره ۵: وضعیت مشاغل سازمانی جامعه نمونه آماری

نظرمقایسه‌ای	فرماندهی	ستادی	آموزشی	جمع
فراوانی	۱۹	۱۳	۸	۴۰
فراوانی (درصدی)	۴۷/۵	۳۲/۵	۲۰	۱۰۰

نمودار شماره ۲: وضعیت مشاغل سازمانی جامعه نمونه آماری



جدول و نمودار ترسیم شده گویای این مطلب است که ۴۷٫۵ درصد مربوط به کسانی است که در مشاغل «فرماندهی»، «ستادی» و «آموزشی» خدمت نموده و این واقعیت نشانگر آن است که

آنها عملاً با امور مربوط به موضوع تحقیق آشنایی کامل دارند.

تحلیل استنباطی فرضیه‌ها

احتمالاً بین معیارها و ویژگی‌های پنج‌گانه؛ «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا با توجه به اسناد بالادستی» ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

لذا برای آن‌که مشخص نماییم اطلاعات جمع‌آوری شده، نتیجه حدس و گمان نبوده و بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار تفاوت مهم و معنی‌داری وجود دارد، از آزمون مجذور و روش محاسبه «خی ۲» استفاده می‌کنیم.

فرضیه H_0 : (فرضیه صفر): بین عواملی از قبیل؛ «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا با توجه به اسناد بالادستی»، ارتباط وجود ندارد.

فرضیه H_1 : (فرضیه پژوهشی): بین عواملی از قبیل؛ «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا با توجه به اسناد بالادستی»، ارتباط وجود دارد. برای ارزیابی در خصوص اثبات یا رد فرضیه H_0 عملیات آماری زیر انجام می‌شود (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۶: معیارهای پنج‌گانه بررسی فرصت‌های نابرابر اقوام ج.ا.ا و

پیامدهای امنیتی آن

$x^2 = \frac{(FO - FE)^2}{FE}$	مربع تفاوت (FO - FE) ²	تفاوت (FO - FE)	فراوانی مورد انتظار FE	فراوانی مشاهده شده FO	محاسبات
					آماري سطوح آزمون
۲۳،۱۴	۳۲۴	۱۸	۱۴	۳۲	خیلی کم
۳۷،۷۸	۵۲۹	۲۳	۱۴	۳۷	کم
۱۲،۰۷	۱۶۹	-۱۳	۱۴	۱	متوسط
۱۴	۱۹۶	-۱۴	۱۴	۰	زیاد
۱۴	۱۹۶	-۱۴	۱۴	۰	خیلی زیاد
$\Sigma = ۱۰۰،۹۹$			۷۰	۷۰	جمع

$$x^2 = \frac{\Sigma(O - E)^2}{E} = 100.99$$

$$D_F = R - 1 \Rightarrow D_F = 5 - 1 = 4$$

$$\chi^2 \times df = \chi^2 \cdot 0.5 \text{ و } 4 = 9/49$$

با توجه به جدول توزیع مجذور کا (خی ۲) و سطح معنی‌داری ۰.۵٪ مقدار بحرانی از جدول مساوی است با ۹/۴۹؛ لذا برای محاسبه ضریب توافق (ضریب تعیین) بین دو متغیر مستقل و متغیر تابع، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$C = \sqrt{\frac{\chi^2}{n + (\chi^2)}} = \sqrt{\frac{(100.99)}{70 + (100.99)}} = \sqrt{0.59} = 0.768$$

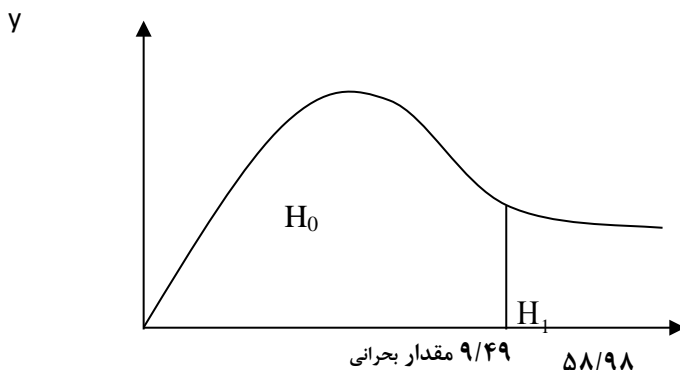
$$U = (C)^2 \times 100 = (0.768)^2 \times 100 = 0.5898 \times 100 = 58.98$$

« $C =$ ضریب توافق همبستگی و $\chi^2 =$ مجذور کا (خی ۲) و $n =$ تعداد جامعه نمونه و $U =$ ضریب تعیین »

تصمیم‌گیری

با مقایسه مقدار آمار آزمون و مقدار بحرانی ملاحظه می‌شود که آمار آزمون در ناحیه H_1 قرار گرفته؛ بنابراین فرضیه H_0 رد می‌شود و با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه پژوهشی مبنی بر اظهار جامعه نمونه در مورد معیارها و ویژگی‌های پنج‌گانه؛ «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا. با توجه به اسناد بالادستی» پذیرفته می‌شود و مشخص می‌گردد، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

پس در مجموع فرضیه یکم تأیید می‌گردد؛ یعنی اکثریت پاسخ‌دهندگان اعتقاد دارند نقش عواملی از قبیل؛ «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین-محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا. با توجه به اسناد بالادستی» در بررسی فرصت‌های نابرابر در میان اقوام کشور جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن مؤثر بوده است (نمودار شماره ۳).



نمودار شماره ۳: مقایسه آمار آزمون از نظر جامعه آماری میانگین مرکب

$$\mu = \frac{\sum \mu}{n} = ۴,۹۸$$

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از انجام تحقیقات لازم و تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسشنامه، مصاحبه با صاحب‌نظران و بررسی اسناد و مدارک در رابطه با موضوع تحقیق که به روش توصیفی و با استفاده از جداول توزیع فراوانی، نمودارها و توزیع درصدی و آمار استنباطی که به منظور آزمون فرضیه‌ها اجراء گردیده و به نتایج زیر که اهداف تحقیق می‌باشد، دست یافتیم: با میانگین به دست آمده، از نتایج حاصل از سؤال‌های مطرح شده در خصوص فرضیه‌ها، نتیجه می‌گیریم ۹۰ درصد پاسخ‌گویان میزان عوامل یاد شده را به-عنوان معیارها و ویژگی‌های پنج‌گانه «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا با توجه به اسناد بالادستی» را «خیلی زیاد» و «زیاد» دانسته‌اند؛ درحالی‌که صفر درصد به «کم» و «خیلی کم» نظر داده‌اند و نتیجه حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها حاکی از آن است که هم‌خوانی مورد تأیید بین تأثیر متغیر مستقل یعنی عواملی از قبیل؛ «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا با توجه به

اسناد بالادستی» بر متغیر بررسی فرصت‌های نابرابر در میان اقوام کشور جمهوری اسلامی ایران، در حد خیلی زیاد، مؤثر می‌باشد که نتیجه فوق بر نتیجه حاصله از پرسشنامه منطبق بوده بر روایی و اعتبار این پژوهش می‌افزاید.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌گونه که در صدر این مقاله اشاره گردید، پژوهش پیش رو حول موضوعی تحت عنوان بررسی فرصت‌های نابرابر در میان اقوام کشور جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن آغاز گردید و سؤال اصلی آن عبارت بود از: آیا در میان اقوام مختلف جمهوری اسلامی ایران فرصت‌های نابرابر به وجود آمده است؛ اگر چنین است پیامد امنیتی آن چیست؟ و راهکارهای حذف و یا کاهش این فرصت‌های نابرابر کدامند؟ که در این راستا، پژوهش‌گر به نتایج مطلوبی دست یافت؛ از جمله این‌که به معیارهایی معنادار از قبیل: «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری اجتماعی»، «پیاده‌سازی سیاست‌گذاری فرهنگی»، «پیاده‌سازی توسعه اقتصادی یکنواخت»، «پیاده‌سازی تئوری تکثرگرایی دین‌محور» و «پیاده‌سازی مدیریت تنوع قومی در کشور ج.ا.ا با توجه به اسناد بالادستی» دست یافت؛ لذا یافته‌های علمی این مقاله مؤید آن بود که بین معیارهای به‌دست آمده ارتباط معناداری به‌وجود آمد و با میانگین به دست آمده از نتایج حاصل از سؤال‌های مطرح شده و فرضیه‌ها نتیجه گرفتیم که ۹۰ درصد پاسخگویان میزان عوامل یاد شده را به‌عنوان معیارها و ویژگی‌های پنج‌گانه بر متغیر بررسی فرصت‌های نابرابر در میان اقوام مختلف کشور جمهوری اسلامی ایران در حد خیلی زیاد، مؤثر دانسته که نتیجه فوق بر نتیجه حاصله از پرسشنامه منطبق بوده بر روایی و اعتبار این پژوهش افزود.

امروزه مشارکت اقوام و توجه به عدالت توزیعی در کشورهای مختلف جهان باعث شده است که شکاف فعال و متراکم به شکاف غیرفعال و متقاطع تبدیل شود و احساس محرومیت نسبی در میان اقوام کاهش می‌یابد؛ لذا هرچقدر شکاف قومی در جامعه متراکم‌تر باشد، احتمال خشونت و آسیب ناشی از آن بیشتر است؛ یکی از راهبردهای اساسی، کاهش نابرابری‌های مختلف در میان اقوام است؛ به‌طور مثال مشارکت دادن نخبگان قومی در

سطوح مختلف مدیریتی و نیز مشارکت اقوام گوناگون ایران در تصمیم‌گیری‌های کلان و دادن فرصت برابر در موضوعاتی مانند؛ آموزش، گزینش، توزیع ثروت، استخدام و... باعث کاهش نابرابری‌های قومی و به دنبال آن رضایت‌مندی آن‌ها از حکومت مرکزی خواهد شد. اما مطلبی که نایستی فراموش شود این است که؛ چنانچه احساس توسعه‌نیافتگی و حس نابرابری فرصت‌ها در میان اقوام باقی بماند؛ در این میان اقوام جایگاه خود را متفاوت خواهند دید و تا حدودی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی، احساس محرومیت نموده و شکاف قومی فعال می‌شود؛ لیکن به‌رغم موارد عنوان شده، اهمیت و جایگاه مسائل قومی در ایران به حدی است که بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران روابط و مناسبات میان دولت و اقوام و نوع و چگونگی این رابطه را عامل اصلی تقویت و انسجام هویت و همبستگی ملی و یا بالعکس تضعیف آن می‌دانند. در کشوری مانند ایران که با پدیده تکرر قومی و فرهنگی مواجه هستیم، نوع و چگونگی این مناسبات و پیوندها میان حکومت و اقوام از طریق طراحی و تعریف رویه‌های قانونی و اجرایی مشخص که مجموعه آن‌ها سیاست و مدیریت قومی نامیده می‌شود، تعیین شده است. به همین علت می‌توان گفت که یکی از نگرانی‌های عمده سیاست‌گذاران و طراحان افکار عمومی در منطقه خاورمیانه درگیری‌های قومی است.

منابع

الف) فارسی

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳)، مقالاتی در جامعه‌شناسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی - فارسیانی، چ سوم، تهران: نشر پردیس دانش.
- اسلامی، علیرضا (۱۳۸۹)، «قومیت و ابعاد آن در ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، ۹ (۲).
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)، «منابع قومی ناسونالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱ (۱).
- اندیشه، هاشم (۱۳۹۶)، «جندالله و تأثیر اجتماعی و فرهنگی آن در اسلام»، تهران: همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم رفتاری و مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ امیدی‌آوج، مریم (۱۳۸۸)، «ارتباط بین پراکندگی اقدام ایرانی و امنیت مرزها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۵ (۱).
- تقی‌پور، سیدمحسن (۱۳۸۷)، «خاستگاه‌ها و مؤلفه‌های پایدار فرهنگی در امنیت ملی جمهوری اسلام»، نامه دولت اسلامی، ۱ (۴/۳).
- سیف‌الهی، سیف‌اله؛ بسطامی، عیسی (۱۳۹۳)، «عوامل اجتماعی مؤثر در واگرایی گروه‌های قومی استان ایلام»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۴ (۱۵).
- سیدامامی، کاووس؛ هوشنگی، حمید (۱۳۹۵)، «سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های پیشنهادی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۷ (۲).
- شعبانی، محمود (۱۳۸۰)، نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران، تهران: دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵)، «فرهنگ ملی، فرهنگ‌های قومی، جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی»، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، ۷ (۱).

- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، همسازی و تعارض در هویت و قومیت، تهران: نشر گل آذین.
- رجب‌نسب، حمید (۱۳۸۰)، «بررسی تئوریک توسعه، گوناگونی قومی و همبستگی ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۳ (۹).
- روشندل، جلیل (۱۳۸۸)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، چ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- زارعی، غفار (۱۳۹۸)، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی پس از انقلاب اسلامی؛ رویکردی چندفرهنگی»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳ (۴۷).
- جعفری، سیداصغر (۱۳۹۲)، دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران: نشر دانشگاه مالک اشتر.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۹)، مبانی نظری امنیت، تهران: نشر دانشکده علوم و فنون فارابی.
- محمدزاده، حسین؛ خانی، سعید (۱۳۹۷)، «زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران»، فصلنامه مطالعات اجتماعی در ایران، ۱۲ (۳).
- نصیری، حسین (۱۳۸۴)، «امنیت ملی پایدار»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۹ (۲۱۵/۲۱۶).
- نائینی، علی‌محمد (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی تهدیدهای سه‌گانه؛ سخت، نیمه‌سخت و نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۸ (۳۰).
- علایی، حسین (۱۳۹۱)، «امنیت پایدار در سند بیست‌ساله ج.ا.ا»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۰ (۳۹).
- کریمی‌مله، علی (۱۳۸۷)، مدیریت سیاسی جوامع چندفرهنگی، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- یوسفی جویباری، محمد؛ صیدی محمدی، یاسر؛ فتاحی، علیرضا (۱۳۹۱)، «نابرابری های قومی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات جامعه شناسی، ۴ (۱۵).

ب- انگلیسی

- Paul R. Brass (199). sagepublications New Delhi, India ryan.S,"explaining ethnic conflict: the neglected international dimation", Review of international studies.
- David, Robertson (1993). A dictionary of modern politics, Europa Publication Limited, 2 ends.